



The University of Tehran Press

The Position of the National Security Exception in the World Trade Organization and International Case Law

Mohammad Jafar Ghanbari Jahromi¹ | Mohammad Javad Manavi Attar² 

1. Associate Pro., Department of International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: M-Ghanbari@sbu.ac.ir
2. Corresponding Author; Ph.D. International Commercial and Investment Law, University of Study Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m.manaviattar@mail.sbu.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Examining the position of the national security exception in WTO and international case law is very important since in recent years we have seen unprecedented references to the national security exception by countries for not fulfilling their obligations, and the continuation of this trend in the near future will definitely endanger the international legal system. In this regard, the most important questions are: the conditions for invoking national security exception, its legal effects, and finally, the mechanisms to deal with these challenges going forward. By examining the latest findings of the international judicial precedent, especially the "Russia Transit" WTO case and the "Certain Iranian Assets" ICJ case, it may be concluded that only when the actions taken are "necessary" and "proportionate" with the aim of maintaining national security and are adopted with "good faith", the invoking country is exempted from its obligations and responsibility. Establishing a balance between conflicting interests by the tribunal and accepting the reference to national security as long as it is compatible with the criteria of reasonableness are two mechanisms to tackle the challenges arising from the invocation of security exception.
Pages: 1481-1503	
Received: 2024/11/01	
Received in Revised form: 2025/03/01	
Accepted: 2025/03/05	
Published online: 2025/06/22	
Keywords: <i>National security, Proportionality, World Trade Organization, Condition of Necessity, Responsibility of governments.</i>	
How To Cite	Ghanbari Jahromi, Mohammad Jafar; Manavi Attar, Mohammad Javad (2025). The Position of the National Security Exception in the World Trade Organization and International Case Law. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (2), 1481-1503. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.383459.3618
DOI	10.22059/jplsqt.2025.383459.3618
Publisher	The University of Tehran Press. 



جایگاه استثنای امنیت ملی در سازمان تجارت جهانی و رویه قضایی بین‌المللی

محمدجعفر قنبری جهرمی^۱ | محمدجواد معنوی عطار^۲

۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران. رایانامه: M-Ghanbari@sbu.ac.ir
 ۲. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.
 رایانامه: m.manaviattar@mail.sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۱۴۸۱-۱۵۰۳ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، تناسب، سازمان تجارت جهانی، شرط ضرورت، مسئولیت دولت‌ها.	بررسی جایگاه استثنای امنیت ملی در سازمان تجارت جهانی و رویه قضایی بین‌المللی از این حیث حائز اهمیت فراوان است که در سال‌های اخیر شاهد استنادات بی‌سابقه‌ای به نهاد استثنایی امنیت ملی توسط کشورها در جهت عدم ایفای تعهدات هستیم که ادامه این روند در آینده نزدیک بی‌شک نظام حقوقی بین‌المللی را با چالش‌های مهمی مواجه می‌سازد. در این زمینه مهم‌ترین سؤالات عبارت‌اند از: شرایط استناد به استثنای امنیت ملی، آثار حقوقی آن و در نهایت سازوکارهای مقابله با چالش‌های پیش رو. با بررسی آخرین یافته‌های رویه قضایی بین‌المللی به‌خصوص پرونده «راشا ترانزیت» در سازمان تجارت جهانی و پرونده «برخی اموال ایران» در دیوان بین‌المللی دادگستری می‌توان نتیجه گرفت که تنها زمانی یک کشور در پرتو امنیت ملی از ایفای تعهدات معاف می‌شود که استناد به امنیت ملی «ضرورت» داشته باشد و اقدامات صورت گرفته «متناسب» با هدف حفظ امنیت ملی بوده و با «حسن نیت» اتخاذ شده باشند. برقراری توازن میان منافع متعارض توسط دیوان و پذیرش استناد به امنیت ملی در حدود معیارهای معقولیت دو سازوکار مقابله با چالش‌های استناد به استثنای امنیت ملی است.
استناد	قنبری جهرمی، محمدجعفر؛ معنوی عطار، محمدجواد (۱۴۰۴). جایگاه استثنای امنیت ملی در سازمان تجارت جهانی و رویه قضایی بین‌المللی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۲)، ۱۴۸۱-۱۵۰۳. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2025.383459.3618
DOI	10.22059/jpls.2025.383459.3618
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

به موازات توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، کشورها پیوسته نگران امنیت و نظم عمومی خود بوده‌اند و تعهدات اقتصادی بین‌المللی را فرع بر امنیت ملی خود می‌دانستند (موسوی زنوز و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۴۲)، به همین دلیل نه‌تنها در «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)»^۱، بلکه در اکثر قریب به اتفاق معاهدات سرمایه‌گذاری نیز می‌توان انعکاس این نگرانی را در قالب شرط استثنای «امنیت ملی» ملاحظه کرد؛ به این معنا که تداوم سیر تعهدات متعاهدین تا زمانی است که امنیت و منافع حیاتی کشور میزبان به مخاطره نیفتد. شایان توجه است که به لحاظ تاریخی استناد به امنیت ملی تا دهه گذشته جنبه استثنایی داشت، اما در سال‌های اخیر متأثر از تحولات صورت‌گرفته در روابط بین‌الملل، استنادات به امنیت ملی به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است و پیوسته شاهدیم که با تمسک به «امنیت ملی»، کشورها از ایفای تعهدات بین‌المللی خود امتناع می‌کنند. بی‌تردید ادامه این روند به‌راحتی می‌تواند تجارت و سرمایه‌گذاری فرامرزی را در آینده دچار چالش‌های جدی کرده و بنیان تعهدات بین‌المللی را متزلزل کند، در نتیجه سؤالات متعددی را در اذهان ایجاد کرده است مبنی بر آنکه شرایط استناد به امنیت ملی چیست؟ مستند به امنیت ملی تا کجا می‌توان اعمال متخلفانه را توجیه کرد؟ تداوم روند استنادات فزاینده به امنیت ملی در آینده چه چالش‌هایی را ایجاد خواهد کرد؟ سازوکارهای مقابله با این چالش‌ها چیست؟ مقاله پیش رو درصدد است تا از طریق آخرین دستاوردهای رویه قضایی پاسخ مناسبی به ابهامات مذکور ارائه کند. به همین سبب ابتدا شرایط استناد به امنیت ملی را بررسی می‌کنیم، سپس آثار استناد بدان و در انتها چالش‌های پیش رو و سازوکارهای پیشنهادی برای مقابله با آن بررسی می‌شود.

۲. شرایط استناد به «امنیت ملی»

اسناد حقوقی بین‌المللی و آرای دیوان‌های داوری نشان‌دهنده آن است که به‌منظور استناد به امنیت ملی باید دو شرط «ضرورت» و «تناسب و حسن‌نیت» وجود داشته باشند، در غیر این صورت استناد صورت‌گرفته مورد پذیرش دیوان‌های بین‌المللی قرار نمی‌گیرد و کشور استنادکننده نمی‌تواند از آثار حقوقی این استناد که در بخش بعدی بدان می‌پردازیم، بهره‌مند شود. به همین سبب در این بخش ابتدا «ضرورت» داشتن حمایت از امنیت ملی و سپس لزوم «تناسب و حسن‌نیت» در استناد به امنیت ملی بررسی می‌شود.

1. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

۱.۲ شرط ضرورت

۱.۱.۲ سازمان تجارت جهانی (WTO)

ماده ۲۱ گات تحت عنوان «استثنائات امنیتی» در بند «ب» اعلام می‌دارد که این موافقت‌نامه مانع اعضای سازمان از اتخاذ اقداماتی که برای حفظ منافع امنیتی اساسی خود ضروری می‌دانند نخواهد شد و این منافع اساسی را در سه حوزه مرتبط با مواد قابل شکافتن، تجارت ابزارهای نظامی و در نهایت منافع امنیتی اساسی که مربوط به زمان جنگ یا سایر مواقعی که در روابط بین‌المللی اضطراب ایجاد شده، محدود کرده است.^۱ در خصوص ماده مذکور رویه قضایی در سازمان دستاوردهای مهمی داشته است که در ادامه به ترتیب دو پرونده «راشا ترانزیت» در سال ۲۰۱۹ و «استیل - آلومینیوم» در سال ۲۰۲۲ بررسی می‌شود. به موجب پرونده «راشا ترانزیت»، اوکراین در سال ۲۰۱۶ علیه روسیه در رکن حل‌وفصل اختلافات سازمان، دعوی را مطرح کرده و چنین بیان می‌دارد که روسیه با ایجاد ممنوعیت بر سر راه ترانزیت کالاهای اوکراینی به قزاقستان تعهدات خود را در ماده ۵ گات که اعضای سازمان را ملزم به ایجاد آزادی ترانزیت می‌کند، نقض کرده است. روسیه در مقام دفاع به استثنای امنیت ملی مندرج در ماده ۲۱ گات استناد کرده و بیان می‌دارد که به علت وجود اضطراب در روابط بین دو کشور که از سال ۲۰۱۴ آغاز شده است، امنیت ملی روسیه اقتضا می‌کند که جلوی ترانزیت کالاهای اوکراینی گرفته شود. پنل رسیدگی کننده از جمله مواردی که برای اعمال این ماده شرطیت آن را قطعی می‌داند، لزوم وجود «ضرورت» است. توضیح آنکه پنل به منظور بررسی ادعای روسیه از انتهای ماده رسیدگی خود را آغاز و بررسی می‌کند آیا یکی از شرایط سه‌گانه مذکور در بند «ب» ماده ۲۱ گات وجود دارد یا خیر. در این زمینه پنل معتقد است «حداقل از مارس ۲۰۱۴ تا پایان سال ۲۰۱۶ روابط اوکراین و روسیه آنقدر تخریب شده است که به یک نگرانی در جامعه بین‌المللی منجر شده^۲ و تا دسامبر ۲۰۱۶ وضعیت موجود میان اوکراین و روسیه توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد مشتمل بر مخاصمه مسلحانه شناسایی

۱. در ماده ۲۱ گات تحت عنوان «استثنائات امنیتی» مقرر شده است: «هیچ چیز در این موافقت‌نامه آن گونه تفسیر نخواهد شد که: (ب) مانع از اتخاذ اقدامی گردد که عضو متعهد آن را برای حمایت از منافع امنیتی اساسی ذیل ضروری می‌داند در صورتی که این اقدام:

(۱) - مربوط به مواد قابل شکافتن و یا موادی باشد که از آنها مشتق می‌گردد؛

(۲) - مربوط به تجارت اسلحه، مهمات، ابزار جنگی و یا سایر کالاها و موادی باشد که مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم برای رفع نیاز تأسیسات نظامی انجام می‌گیرد؛

(۳) - مربوط به زمان جنگ یا سایر مواقع اضطراری در روابط بین‌المللی باشد...».

۲. نک: قطعنامه شماره ۶۸/۲۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۷ مارس ۲۰۱۴.

می‌شود»^۱ (WTO panel, 2019: Para. 7.122). نیز دیوان اقدام کشورهای مختلف در وضع تحریم‌ها علیه روسیه را دلیل دیگری تلقی کرده و اعلام می‌دارد که «در نتیجه دیوان قانع شده است که موقعیت موجود میان اوکراین و روسیه، یک اضطرار در روابط بین‌المللی است» (WTO panel, 2019: Para. 7.123). سپس دیوان بیان می‌دارد اقدامات روسیه مبنی بر ممنوعیت ترانزیت کالاهای اوکراینی در زمان وضعیت اضطراری میان دو کشور اتخاذ شده است (WTO panel, 2019: para. 7.126). متعاقباً پنل به سراغ صدر ماده رفته و بررسی می‌کند که آیا اختیار کشورها صرفاً در تشخیص «ضروری» بودن اقدامات است و یا علاوه بر آن اختیار دارند «منافع اساسی امنیتی» خود را تشخیص دهند؟ در این زمینه روسیه معتقد است که اعضا اختیار تام در هر دو مورد دارند و دیوان حق ورود به این موارد را ندارد (WTO panel, 2019 Para. 7.129)، درحالی‌که در نقطه مقابل اوکراین معتقد است «اگرچه اعضا حق دارند سطح حمایت از منافع اساسی خود را تعیین کنند، اما این حق بدان معنا نیست که یک عضو بتواند یکجانبه منافع اساسی امنیتی را تبیین کند، بلکه این اختیار پنل است تا با استفاده از اصول متعارف تفسیر در حقوق بین‌الملل اقدام به تفسیر عبارت (منافع اساسی امنیتی) که بخشی از موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان است، بنماید» (WTO panel, 2019: Para. 7.129). دیوان در مقام بررسی نظرها با توجه به عبارت «که او (عضو استنادکننده) تشخیص می‌دهد» در بند «ب» ماده ۲۱ معتقد است «این اختیار روسیه است که «ضرورت» اقدامات را برای حفاظت از منافع اساسی امنیتی خود تشخیص دهد» (WTO panel, 2019: Para. 7.146) و سپس به یافته‌های پرونده «ای سی بناناز» (WTO panel, 2012) اشاره می‌کند که در آن پرونده داوران پذیرش تشخیص یک عضو را مقید به رعایت ترتیبات و تشریفاتی می‌دانند که این موارد به‌صراحت در بند ۳ ماده ۲۳ «موافقت‌نامه حل‌وفصل اختلافات» سازمان ذکر شده است، اما با عنایت به اینکه در بند «ب» ماده ۲۱ گات تشخیص اعضا مقید به رعایت ترتیبات خاصی نشده است، از این‌رو دیوان نتیجه می‌گیرد که «روسیه شرایط مقرر در صدر بند «ب» ماده ۲۱ گات را رعایت کرده است» (WTO panel, 2019: Para. 7.147).

در قضیه «استیل - آلومینیوم» میان چین و ایالات متحده در سال ۲۰۲۲ مجدداً ماده ۲۱ گات مورد بررسی دیوان قرار می‌گیرد. در این پرونده نیز دیوان بررسی خود را از انتهای ماده آغاز می‌کند و پیش از هر چیز معتقد است باید بررسی شود «که آیا اقدامات در زمان جنگ یا وقوع اضطرار در روابط بین‌المللی اتخاذ شده است یا خیر» (WTO panel, 2022: Para. 6.21 & 7.136). در این زمینه پنل ابتدا به ارائه معنای متداول از کلمات کلیدی پاراگراف سوم ذیل بند «ب» ماده ۲۱ گات پرداخته و بیان می‌دارد «اضطرار ناظر بر یک موقعیت و به‌خصوص خطر یا تعارضی است که به‌طور پیش‌بینی‌ناپذیری ایجاد

۱. نک: قطعنامه شماره ۷۱/۲۰۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۶.

شده و فوراً باید مورد توجه قرار گیرد... و برطرف گردد... و ناظر به روابط بین‌المللی باشد. مراد از روابط راه‌های مختلفی است که بدان وسیله کشورها و دولت‌ها ارتباط سیاسی یا اقتصادی خود را با دیگران حفظ می‌کنند و نیز مربوط به تعاملات و ارتباطات و سفر بین‌المللی و ... میان ملت‌ها ست» (WTO panel, 2022: para. 7.137). نیز پنل معتقد است با عنایت به قرینه موجود در عبارت، شدت و جدیت این اضطرار در روابط بین‌المللی باید حداقل قابل مقایسه با شدت و جدیت جنگ باشد (WTO panel, 2022: Para. 7.139). در ادامه دیوان ادعای ایالات متحده را واکاوی می‌کند که بیان کرده است اولاً استناد به استثنای امنیت ملی مذکور در ماده ۲۱ گات تحت قضاوت کامل خود اعضاست و دیوان صرفاً باید چنین استنادی را احراز کند (WTO panel, 2022: Para. 7.105)، ثانیاً این کشور معتقد است مستند به گزارش وزارت بازرگانی آمریکا واردات با این حجم و شرایط سبب برهم خوردن امنیت ملی خواهد شد و معتقد است تضعیف اقتصاد داخلی کشور سبب برهم خوردن امنیت ملی می‌شود (WTO panel, 2022: Para. 7.142). متعاقباً دیوان مجموع ادعاهای آمریکا را در این حوزه در سه محور قرار می‌دهد؛ اول واردات زیاد سبب جایگزینی استیل - آلومینیوم داخلی می‌شود؛ دوم سبب تأثیر منفی بر سطح رفاه اقتصادی صنایع استیل و آلومینیوم داخلی شده و نیز ظرفیت مازاد جهانی در استیل و آلومینیوم می‌شود (WTO panel, 2022: Para. 7.142).

پنل در مقام بررسی ادعای آمریکا در زمینه «خودقضاوتی» بودن ماده ۲۱ بیان می‌دارد «تمامیت بند «ب» ماده ۲۱ گات دارای معنا و اثر حقوقی است، بدین نحو که حق و تشخیص یک عضو در اتخاذ اقداماتی که برای حفظ منافع اساسی امنیتی خود ضروری می‌داند باید در شرایط و اوضاع و احوال مذکور در پاراگراف‌های یک تا سه ذیل بند «ب» باشد. پنل بر خلاف ادعای آمریکا، ماده ۲۱ را دارای خصیصه «خودقضاوتی» یا «غیرقابل بررسی قضایی» نمی‌داند و ماده را حاوی یک عبارت مستقل که تماماً تحقق شرایط و اوضاع و احوال را به تشخیص عضو استنادکننده واگذار کره باشد نیز نمی‌داند» (WTO panel, 2022: Para. 7.128). در نتیجه، بر خلاف نظر برخی حقوقدانان (نوری یوشانلویی و پیرمرادی، ۱۴۰۰: ۸۲۰) دیوان ماده ۲۱ را دارای خصیصه «خودقضاوتی» ندانسته و معتقد است «فقدان یک مقررۀ صریح در ماده ۲۱ مبنی بر اینکه آیا و چگونه باید استناد صورت گرفته بررسی شود به خودی خود سبب نمی‌شود که نتوان آن ماده را در فرایند حل اختلاف بررسی کرد. بر عکس، قلمرو و ماهیت چنین بررسی‌ای از شرایط بند «ب» ماده ۲۱ گات و الزامات موافقت‌نامه حل و فصل اختلافات سازمان نشأت می‌گیرد که به موجب موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی ایجاد شده است و از جمله تأیید می‌کند نقش سیستم حل اختلافات سازمان را در (تأمین امنیت و قابلیت پیش‌بینی در سیستم تجارت چندجانبه). چنانچه بند «ب» ماده ۲۱ گات در فرایند حل اختلاف سازمان مطرح شود، موافقت‌نامه حل و فصل اختلافات سازمان ملزم می‌نماید که بر اساس شرایط همان مقررۀ و در محدوده ارزیابی نوعی اقدامات و ادعاها بررسی شده تا

یافته‌ها به پنل کمک کنند که بتواند توصیه‌های مرتبط را در خصوص موافقت‌نامه‌های تحت پوشش تهیه کند» (WTO panel, 2022: Para. 7.125).

بر همین مبنا دیوان اقدام به ارزیابی استناد آمریکا به امنیت ملی کرده و بیان می‌دارد دو محور ابتدایی ادعاهای آمریکا تماماً داخلی است و نمی‌توان گزارش‌های مقامات داخلی آمریکا را به‌عنوان معیار ارزیابی تحقق شرایط اضطراری در روابط بین‌المللی مذکور در ماده ۲۱ گات قرار داد (WTO panel, 2022: Para. 7.143). در خصوص محور سوم ادعا نیز دیوان تصریح می‌دارد «متقاعد نشده است که شرایطی که ایالات متحده بدان استناد می‌کند از حیث جدیت و شدت تنش در سطح بین‌المللی به میزانی باشد که بتوان آن را یک اضطرار در روابط بین‌المللی دانست» (WTO panel, 2022: Para. 7.148) و در نتیجه «دیوان، بر اساس اسناد و مدارک دریافتی، اقدامات اتخاذی را در زمان جنگ یا اضطرار در روابط بین‌المللی در محدوده معنای پاراگراف سوم بند «ب» ماده ۲۱ گات تشخیص نمی‌دهد» (WTO panel, 2022: Para. 7.149).

ملاحظه می‌شود شیوه بررسی پنل در دو پرونده متفاوت است. توضیح آنکه در قضیه «راشا ترانزیت» دیوان ابتدا پاراگراف‌های ذیل بند «ب» را بررسی کرده و سپس بند «ب» را که مستقل از پاراگراف‌های سه‌گانه می‌داند به‌طور جداگانه بررسی می‌کند و بر خلاف نظر برخی حقوقدانان (پیری و سهرابی، ۱۳۹۹: ۱۵۵۹) معتقد است به این علت که در بند «ب» شرطی درج نشده است، از این‌رو تشخیص ضرورت اقدامات با عضو استنادکننده است. اما در پرونده «استیل - آلومینیوم» اساساً دیوان بند «ب» را عبارت مستقلی از پاراگراف‌های ذیل آن ندانسته و شرایط استناد به بند «ب» را تحقق پاراگراف‌های سه‌گانه ذیل آن می‌داند، از این‌رو تشخیص ضروری بودن اقدامات برای حفظ منافع اساسی امنیتی را در گرو تحقق شرایط پاراگراف‌های سه‌گانه ذیل بند «ب» دانسته و بررسی آن را نیز در صلاحیت دیوان می‌داند.

۲.۱.۲. «پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی»

پیش از هر چیز باید گفت که اهمیت بررسی این پیش‌نویس از آن حیث است که به اعتقاد بسیاری این سند در زمره حقوق بین‌الملل عرفی است و بارها تاکنون از این حیث مورد استناد قرار گرفته است (Lee, 2021: 179). در فصل پنجم این سند مواردی بیان می‌شود که رفتار دولت اگرچه نقض حقوق بین‌الملل بوده است، اما مسئولیت‌آفرین نخواهد بود. در ماده ۲۵، «ضرورت» به‌عنوان یک عامل معاف‌کننده، یا به‌عبارت دقیق‌تر یک شرط زایل‌کننده وصف متخلفانه، معرفی می‌شود (والاس و مارتین ارتگا، ۱۳۹۲: ۲۸۰-۲۸۱) و شرایط استناد بدان نیز چنین بیان می‌شود که اولاً تنها راه حفظ منافع اساسی نقض آن تعهد بوده باشد؛ ثانیاً این نقض تعهد سبب برهم خوردن منافع اساسی متعهدله به‌طور خاص و یا جامعه بین‌المللی به‌طور

کلی نشود، چراکه بدیهی است که نمی‌توان منافع اساسی یک کشور را بر منافع اساسی کشور دیگری ترجیح داد و خلاف اصل تساوی حاکمیت‌هاست؛ ثالثاً دولت استنادکننده نباید خود در ایجاد «ضرورت» نقش داشته باشد؛ رابعاً خلاف آن توافق صریح صورت نگرفته باشد؛ به این معنا که از طرفین صریحاً امکان استناد به «ضرورت» سلب نشده باشد. در نتیجه پیش‌نویس مذکور روشن می‌سازد که شرط استناد به استثنای امنیت ملی جهت نقض تعهدات بین‌المللی، «ضرورت» داشتن نقض آن تعهدات است.

۳.۱.۲. شرط ضرورت در رویه قضایی

دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده «نیکاراگوئه» در خصوص توجیه اقدامات اتخاذشده مستند به استثنای امنیت ملی به صراحت بیان می‌دارد «اقدامات اتخاذشده نباید صرفاً با هدف حفظ منافع اساسی امنیتی شخص استنادکننده بدان باشند، بلکه باید برای این منظور (ضروری) باشند» (ICJ Rep, 1984: Para. 282). در این زمینه تشخیص ضروری بودن صرفاً با دولت استنادکننده نیست، بلکه دیوان نیز باید ضرورت ادعایی را بررسی و احراز کند. مشابه این دیدگاه را مجدداً دیوان در پرونده «سکوه‌های نفتی» بیان می‌دارد. در این پرونده ایران تا حدودی منافع امنیتی آمریکا را برای حفاظت از کشتی‌های تجاری خود در خلال جنگ ایران و عراق و مستند به بند «د» پاراگراف اول ماده ۲۰ معاهده «مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی» بین ایران و ایالات متحده آمریکا^۱ به رسمیت شناخت، اما اقدام نظامی این کشور علیه سکوه‌های نفتی ایران را ضروری نمی‌داند و دیوان نیز بیان می‌دارد برای اعمال قانونی حق دفاع مشروع باید اقدامات صورت گرفته برای آن هدف ضروری باشند و عیناً عبارت پیش‌گفته در پرونده «نیکاراگوئه» را در این قضیه نیز تکرار و مورد استناد قرار می‌دهد (ICJ Rep, 2003: Para.43). از این رو ملاحظه می‌شود شرط «ضرورت» در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری مورد تأکید بوده و در آرای صادره توسط سایر دیوان‌ها نیز بر این شرط تأکید شده است؛ مانند پرونده «رزنف» که دیوان دادگستری اروپا شرط ضروری بودن اقدامات اتخاذی به موجب استثنای امنیت ملی را تأیید می‌کند (EC Rep, 2017: Para.108ff). شایان ذکر است در آخرین اعلام موضع دیوان دادگستری بین‌المللی مجدداً مسئله «امنیت ملی» و «ضرورت» اقدامات اتخاذی در پرونده اخیر میان ایران و ایالات متحده موسوم به پرونده «برخی اموال ایران» (ICJ Rep, 2023) مطرح می‌شود که در ادامه بدان می‌پردازیم.

ایالات متحده در سال ۱۹۹۶ در قالب تصویب «قانون مقابله با اقدامات تروریستی و مجازات اعدام»^۲

۱. ماده ۲۰ معاهده ایران و آمریکا بیان می‌دارد: «۱- عهدنامه فعلی مانع اجرای اقدامات ذیل نخواهد بود... (د) اقدامات لازم جهت ایفای تعهدات یک طرف معظم متعاهد برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی یا جهت حفظ منافع اساسی طرف مزبور از لحاظ امنیت». برای ملاحظه متن فارسی معاهده ر.ک: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94974>

2. “The Anti-Terrorism Activities and Effective Death Penalty Act”.

اقدام به اصلاح «قانون مصونیت قضایی»^۱ خود می‌کند و زین پس استثنای تروریست را نیز در زمره مواردی که دادگاه‌های آمریکا صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه دولت‌های خارجی را دارند اضافه می‌کند (Wang, 2021: 167). در امتداد این حرکت، رئیس‌جمهور آمریکا در ۶ فوریه ۲۰۱۲ اقدام به صدور «دستور اجرایی شماره ۱۳۵۹۹»^۲ کرده و به موجب آن دستور توقیف و بلوکه کردن کلیه اموال دولت ایران و مؤسسات مالی ایرانی از جمله بانک مرکزی را صادر می‌کند و اندکی پس از آن نیز «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه» را به تصویب کنگره می‌رساند که به موجب آن اجازه بلوکه کردن اموال بانک مرکزی و توزیع آن میان شاکیان پرونده «پیترسون» (US Supreme Court Rep, 2016) صادر می‌شود (Deweerd, 2023: 276). ایران اما در مقابل، این اقدامات آمریکا و بلوکه کردن اموال ایرانیان و محکوم نمودن آنان به مجموع مبلغی حدود ۵۶ میلیارد دلار را خلاف تعهدات آمریکا در معاهده «مودت، روابط اقتصادی، و حقوق کنسولی» میان ایالات متحده آمریکا و ایران^۳ منعقد در سال ۱۹۵۵ اعلام می‌دارد و از دیوان بین‌المللی دادگستری در این زمینه خواستار صدور حکم مقتضی می‌شود. ایالات متحده به‌عنوان خوانده پرونده، برای توجیه اقدامات خود در پرتو معاهده مذکور به استثنای امنیت ملی مذکور در بند «د» پاراگراف اول ماده ۲۰ استناد می‌کند. توضیح آنکه آمریکا مدعی است دستور اجرایی مذکور، این دولت را قادر می‌سازد تا از طریق مقابله با، بنابر ادعا، حمایت‌های ایران از تروریسم، مقابله با توسعه توانایی ایران در استفاده از موشک‌های بالستیک و تجارت غیرقانونی مهمات نظامی اقدام به تأمین امنیت و منافع اساسی خود نماید. در نهایت ایالات متحده بیان می‌دارد مقابله با تروریسم و تأمین مالی آن و جلوگیری از توسعه برنامه‌های موشکی بالستیک دولت‌های متخاصم بی‌شک حفظ منافع امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شوند (ICJ Rep, 2023: Para. 104).

در مقابل دیوان در ۳۰ مارس ۲۰۲۳ (۱۰ فروردین ماه ۱۴۰۲) در مقام صدور رأی، چنانکه برخی پیش‌بینی می‌کردند (Janig, Fallah, 2016: 359)، مشابه آنچه پیشتر در پرونده سکوه‌های نفتی در خصوص بند «د» پاراگراف اول ماده ۲۰ «معاهده مودت» اعلام کرده بود، بیان می‌دارد «اقدامات اتخاذ شده نباید صرفاً با هدف تأمین منافع اساسی امنیتی شخص استنادکننده باشند بلکه باید برای آن هدف ضرورت نیز داشته باشند و اینکه آیا اقدامات اتخاذ شده ضروری می‌باشند صرفاً به قضاوت شخصی دولت استناد کننده مرتبط نیست و باید مورد ارزیابی دیوان قرار گیرد» (ICJ Rep, 2023: Para. 106). دیوان بیان می‌دارد که بار اثبات با ایالات متحده است که نشان دهد اقدامات صورت گرفته (دستور

1. The Foreign Sovereign Immunities Act.

2. To see the full official text of the “executive order No. 13599”, please visit the following link: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/DCPD-201200083/pdf/DCPD-201200083.pdf>.

3. Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights Between the United States of America and Iran, 1955.

اجرائی ۱۳۵۹۹) یک اقدام «ضروری» برای حفظ منافع اساسی امنیتی آمریکا بوده است که «حتی اگر بپذیریم تا حدی موضوع وابسته به صلاحدید خوانده است، باز هم دیوان نمی‌تواند خود را متقاعد کند که چنین ادعاهایی صحیح باشد... چراکه دستور اجرایی صرفاً مرتبط با عملیات مالی بانک‌های ایرانی، نواقص موجود در سیستم مقابله با پولشویی ایران و متعاقباً خطرات آن برای سیستم مالی بین‌المللی است و هیچ اشاره‌ای به ملاحظات امنیتی نشده است» (ICJ Rep, 2023: Para. 108) و «به این دلیل دیوان نتیجه می‌گیرد که دفاع صورت گرفته مستند به قسمت «د» پاراگراف اول ماده ۲۰ معاهده مورد تأیید نیست» (ICJ Rep, 2023: Para. 109). در نتیجه ملاحظه می‌شود رویه قضایی در پرونده‌های متعددی ضروری بودن اقدامات اتخاذی را شرط استناد به امنیت ملی می‌داند.

۲.۲. شرط حسن نیت و تناسب

۲.۲.۱. بررسی رویه سازمان تجارت جهانی

بر خلاف شرط ضرورت، در متن ماده ۲۱ گات به صراحت از شرط حسن نیت و تناسب جهت استناد به امنیت ملی سخن گفته نشده است. در ساختار حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی نیز تا پیش از پرونده «راشا ترانزیت» (WTO panel, 2020) هیچ‌گاه قلمرو و شرایط اعمال استثنای امنیت ملی مندرج در ماده ۲۱ گات بررسی نشده بود (Ringaret, 2020: 60)، اگرچه در پرونده شکایت جامعه اروپا علیه ایالات متحده به علت وضع «قانون هلمز-برتون» مسئله امنیت ملی مطرح بود، اما این پرونده به درخواست جامعه اروپا معلق شد (WTO panel, 1998) و از این رو هیچ‌گاه پندل فرصت رسیدگی به موضوع و ماده ۲۱ را به دست نیاورد. با این حال در سال‌های اخیر و به موجب دو پرونده «راشا ترانزیت» و «قطر - عربستان» پندل حسن نیت و تناسب را از شرایط استناد به ماده ۲۱ گات اعلام کرد که در ادامه بدان می‌پردازیم.

در پرونده «راشا ترانزیت» روسیه اذعان می‌دارد: «عبارات ماده ۲۱ صلاحیت انحصاری به عضو استنادکننده این ماده اعطا می‌کند تا خود ضرورت، شکل، طراحی و ساختار اقدامات اتخاذشده را به موجب ماده ۲۱ تعیین کند» (WTO panel, 2019: Para. 7.28) که این مطلب مورد حمایت ایالات متحده نیز قرار گرفته و از این صلاحدید انحصاری به عنوان یک «حق ذاتی» برای اعضا یاد می‌کند (WTO panel, 2019: Para. 7.51). در مقابل اما اوکراین معتقد است اگرچه ماده ۲۱ به اعضا اختیار می‌دهد تا اقداماتی را که برای حفظ منافع اساسی امنیتی خود ضروری می‌دانند اتخاذ کنند، اما این به معنای اعطای صلاحدید کامل به اعضا نیست که در این فرض دلیلی برای درج پاراگراف‌های مختلف ذیل ماده ۲۱ و تفکیک انواع منافع اساسی وجود نداشت و علیرغم آنکه مشابه پاراگراف مقدماتی ماده

۲۰، مبنی بر منع استفاده از اختیارات در جهت ایجاد تبعیض میان اعضا یا ایجاد موانع پنهان فراسوی تجارت بین‌الملل، در این ماده وجود ندارد، اما دیوان باید موافقت‌نامه را طبق اصول حقوق بین‌الملل عمومی تفسیر و به‌طور نوعی بررسی کند آیا اعمال ماده ۲۱ توسط یک عضو همراه با حسن‌نیت بوده یا در جهت سوءاستفاده از حق و ایجاد موانع پنهان بر تجارت بوده است (WTO panel, 2019: Para. 7.34 & 7.33).

پنل در مقام بررسی نظرهای طرفین ابتدا بیان می‌دارد که صلاحدید اعضا در تفسیر ماده ۲۱ محدود است به تعهد آنان به تفسیر مطابق با حسن‌نیت و «تعهد به حسن‌نیت یک اصل کلی حقوقی و یک اصل در حقوق بین‌الملل عمومی است که به موجب بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین (یک معاهده باید با حسن‌نیت تفسیر شود) و در ماده ۲۶ نیز مقرر شده است (هر معاهده‌ای باید (توسط طرفین آن) با حسن‌نیت اجرا شود)» (WTO panel, 2019: Para. 7.132). سپس دیوان ادامه می‌دهد که تعهد به حسن‌نیت ایجاب می‌کند که «عضو استنادکننده باید دقیقاً منافع اساسی امنیتی خود را که معتقد است از شرایط اضطرار در روابط بین‌المللی ناشی شده است، برشمارد تا صداقت وی احراز شود» (WTO panel, 2019: Para. 7.134) و نیز تعهد به حسن‌نیت ایجاب می‌کند که «اقدامات اتخاذشده حداقلی از تناسب را با منافع اساسی امنیتی داشته باشند بدین معنا که به‌عنوان اقداماتی نامتناسب برای حفظ منافع نباشند» (WTO panel, 2019: Para. 7.138). در انتها پنل نتیجه می‌گیرد که «باید بررسی کند آیا اقدامات اتخاذشده بسیار بعید یا بی‌ارتباط با وضعیت اضطراری هستند تا بتوان بیان داشت نامتناسب بوده‌اند یا خیر» (WTO panel, 2019: Para. 7.139). در این زمینه نیز پنل ابتدا اقدامات روسیه را بررسی می‌کند و در دو دسته محدودیت ترانزیت و ممنوعیت برخی کالاهای معین قرار می‌دهد. سپس ریشه این اقدامات را در تحولات سیاسی رخ داده در اوکراین و تصمیم این کشور به ادغام اقتصادی در اتحادیه اروپا دانسته و متعاقباً وضع تحریم‌های مختلف علیه روسیه توسط برخی کشورها را عوامل ایجاد تنش در روابط دو کشور قلمداد کرده و بیان می‌کند «به‌طور معقول نمی‌توان این تحولات را بی‌ارتباط با اضطرار ایجادشده در روابط بین‌المللی دانست که در طی این مدت روسیه از جمله اقدامات سال ۲۰۱۶ را معمول می‌دارد» (WTO panel, 2019: Para. 7.142) و چنین نتیجه می‌گیرد که «اقدامات اتخاذی نمی‌تواند آنقدر بعید یا بی‌ارتباط با اضطرار ایجادشده در سال ۲۰۱۴ باشند که بتوان گفت روسیه برای حفظ منافع اساسی امنیتی خود اقداماتی را اعمال کرده که خارج از اضطرار ایجاد شده بوده است» (WTO panel, 2019: Para. 7.145).

شایان توجه است که در قضیه «قطر-عربستان» (WTO panel, 2020) نیز دستاوردهای پرونده «راشا ترانزیت» مورد پذیرش قرار می‌گیرد (WTO panel, 2020: Para. 7.243). دیوان در این پرونده نیز بیان می‌دارد: «به‌طور کلی هریک از اعضا می‌توانند منافع اساسی خود را تشخیص دهند و تبیین

کنند» (WTO panel, 2020: Para. 7.249) اما این تعریف باید در پرتو تعهد حسن نیت باشد و این تعهد اقتضا می‌کند که عضو استنادکننده متعهد باشد «دقیقاً و به وضوح منافع اساسی امنیتی خود را که از شرایط اضطرار بین‌المللی به وجود آمده‌اند تبیین کند تا صداقت آن عضو ثابت شود» (WTO panel, 2020: Para. 7.250). همچنین تعهد به حسن نیت مستلزم آن است که اقدام اتخاذ شده «حداقلی از تناسب با اهداف مدنظر را داشته باشد و به طور خاص پنل باید تشخیص دهد که آیا اقدامات اتخاذی بسیار بعید یا بی‌ارتباط با اضطرار به وجود آمده هستند یا خیر» (WTO panel, 2020: Para. 7.252). قابل ذکر است که بر اساس همین معیار حسن نیت و تناسب نیز دیوان در این پرونده اقدام عربستان سعودی در عدم رسیدگی کیفری به جرائم ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری (موضوع ماده ۶۱ تریپس) را بسیار بعید و بی‌ارتباط با حفظ منافع اساسی امنیتی تشخیص و استناد این کشور را به استثنای امنیت ملی از این حیث مردود اعلام می‌کند (WTO panel, 2020: Para. 7.293)، اما اقدامات عربستان در نقض بند ۱ ماده ۴۱ تریپس مبنی بر تمهید آیین و ضمانت اجرای بازدارنده نقض حقوق مالکیت فکری و نیز ماده ۴۲ همان موافقت‌نامه در زمینه ایجاد آیین‌های دادرسی مدنی در جهت اعمال حقوق مالکیت فکری تحت پوشش موافقت‌نامه تریپس را بی‌ارتباط یا بسیار بعید با هدف حفظ منافع اساسی امنیتی تشخیص نداده و مورد قبول قرار می‌دهد (WTO panel, 2020: Para. 7.288).

به نظر می‌رسد بتوان از مجموع نتایج دو پرونده مذکور بیان کرد:

اولاً رعایت موازین حسن نیت یک تعهد عام حقوق بین‌الملل بوده (Bismono et al., 2022: 71) و «بر تمام مقررات حقوق بین‌الملل سیطره دارد» (فلسفی، ۱۳۹۸: ۵۶۰) و اگرچه در متن ماده ۲۱ گات بدان تصریح نشده است، اما شرط استناد به استثنای امنیت ملی است.

ثانیاً تعهد به حسن نیت اقتضا می‌کند که اعضا منافع اساسی خود را دقیقاً تبیین کنند تا صداقت ایشان محرز شود که البته در این مورد بیان به نحو «حداقل رضایت‌بخش» (minimally satisfactory) با توجه به شرایط پرونده کفایت می‌کند (WTO panel, 2020, para. 7.281; WTO panel, 2019: Para. 7.137).

ثالثاً علاوه بر تبیین منافع، اقدامات اتخاذشده اعضا نیز باید با حسن نیت همراه باشد (Kawashima, 2024: 174; Singh, 2023: 77) که لازمه آن انتخاب اعمالی است که با هدف حفظ منافع اساسی امنیتی تناسب داشته و بی‌ارتباط یا بسیار بعید نباشند.

۱. شایسته ذکر است که اسناد بین‌المللی فاقد ارائه تعریفی جامع و مانع از امنیت ملی هستند (Tania, 2019: 45).

۲.۲.۲. ملاک تشخیص تناسب؛ رویکرد تکاملی دیوان بین‌المللی دادگستری

چنانکه در پرونده «راشا ترانزیت» بررسی گشت پنل در این پرونده بر لزوم وجود تناسب و حسن‌نیت تأکید می‌کند، اما معیاری جهت تشخیص آن ارائه نمی‌دهد. در این زمینه شایان توجه است که در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری مفهوم «تناسب» دچار تکامل و تحول شده است. توضیح آنکه به موجب بند ۱ ماده ۴۱ اساسنامه دیوان^۱، این ارگان در صورتی که «متناسب» تشخیص دهد، اقدامات موقت را در دستور کار خود قرار می‌دهد. حال تشخیص این تناسب از سال ۲۰۰۹ به بعد و به موجب پرونده «بلژیک علیه سنگال» (ICJ Rep, 2009) متحول شده است که اغلب منبعت از نظر قاضی آبراهام در سال ۲۰۰۶ و به موجب پرونده «پالپ میلز» بوده است که بیان می‌دارد «دیوان نمی‌تواند خطاب به یک دولت دستور صادر کند تا رفتار خاصی را انجام دهد صرفاً به این دلیل که دولت دیگری معتقد است این اقدام برای حفظ حقوق او ضروری است، مگر آنکه دیوان خود حداقلی از بررسی را انجام دهد که آیا حقوقی که ادعا شده است واقعاً وجود دارند و در معرض نقض هستند یا خیر» (ICJ Rep, 2006: Para. 8). تا پیش از این پرونده، برای تشخیص تناسب به این نکته توجه می‌شد که آیا حق ادعایی خواهان به موجب حقوق بین‌الملل برای او وجود دارد یا خیر.^۲ اما متعاقباً این تست تکامل یافت و علاوه بر آن، دیوان باید بررسی کند که آیا اقدام خوانده امکان دارد سبب شود که حق شناخته‌شده خواهان آسیبی ببیند که بعداً با حکم قطعی قابل جبران به‌نحو مؤثری نباشد.^۳ نتیجه آنکه دیوان برای حقی که در حقوق بین‌الملل شناخته شده است و واقعاً خواهان آن را داراست و چنانچه به موجب دستور موقت از آن حق دفاع نشود در معرض خطر قرار می‌گیرد، آن حق را پذیرفتنی تشخیص می‌دهد (Lando, 2018: 645).

حال شایان توجه است که چنانچه این معیار را در بحث خود بپذیریم، باید گفت زمانی می‌توان گفت که اقدام صورت گرفته برای حفظ امنیت ملی متناسب و پذیرفتنی است که اگر آن اقدام نباشد، امنیت ملی ممکن است در معرض خطری قرار بگیرد که اقدامات بعدی به‌نحو مؤثری نتواند آن را جبران کند. با وجود این باید در نظر داشت که طبق نظر اعلامی پنل در پرونده «راشا ترانزیت» درجه خفیفی هم از این تناسب وجود داشته باشد از منظر سازمان تجارت جهانی و ماده ۲۱ گات، شرط تناسب در پرتو حسن‌نیت محقق شده است. نیز این نکته را نباید از نظر دور داشت که شرایط تناسب، حسن‌نیت و ضرورت درهم‌تنیده‌اند و تفکیک و مرزبندی کاملاً مستقلاً نمی‌توان برای آنان متصور بود. از این‌رو حسن‌نیت است که ماده ۲۱ گات را محدود می‌کند به ضرورت و تناسب و همین دو فاکتور است که حسن‌نیت کشور خواهان را نیز نمایان می‌سازد.

۱. بند ۱ ماده ۴۱ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد: «دیوان باید این اختیار را داشته باشد تا در صورتی که تشخیص می‌دهد شرایط اقتضا می‌نماید هرگونه اقدامات موقت که باید اتخاذ شوند جهت حفظ حقوق اعضا را مقرر نماید».

2. Legal Plausibility

3. Actual Plausibility

۳. آثار حقوقی استناد به «امنیت ملی»

با حصول جمیع شرایط پیش گفته، اثر حقوقی استناد به امنیت ملی به طور کلی آن است که دولت استنادکننده از تعهدات بین‌المللی خود معاف می‌شود و به میزانی که اعمال متخلفانه او تحت پوشش امنیت ملی قرار می‌گیرند، مسئولیت‌آفرین نخواهد بود که در ادامه به بیان مصادیق این قاعده کلی در بدنه سازمان تجارت جهانی و حقوق بین‌الملل عرفی و معاهدات می‌پردازیم.

۳.۱. معافیت از تعهدات در سازمان تجارت جهانی

در سازمان تجارت جهانی، عبارات به کاررفته در موافقت‌نامه گات کلی و عام است و در واقع زمان استناد بدان و نحوه و کیفیت پاسخ‌دهی به تهدید امنیت ملی را کاملاً در اختیار اعضا قرار داده است. در حقیقت زمانی که شرایط استناد به امنیت ملی وجود داشته باشد، نوع اقدام اتخاذی دولت برای تأمین هدف امنیت کشور خود محدود به موارد خاصی نشده است، به همین سبب رئیس «گات» در سال ۱۹۶۱ در قضیه غنا اعلام می‌دارد که تصمیم در زمینه امنیت ملی کاملاً با اعضاست که برای امنیت ملی خود هر اقدامی را ضروری می‌دانند اتخاذ کنند^۱ و در نتیجه فضا برای مانور اعضا وجود دارد (Hoeffler & Hofman, 2021: 104).

حال که قلمرو گسترده اختیارات اعضا مشخص شد، برای نمونه می‌توان مصادیقی را در این زمینه بیان کرد. در پرونده غنا ۱۹۶۱ ملاحظه می‌کنیم که ممنوعیت واردات کالا از پرتغال مستند به امنیت ملی ایجاد می‌شود و اثر حقوقی استناد به امنیت ملی بر تمام تجارت دو کشور آشکار می‌شود.^۲ عکس این مطلب را در پرونده ژاپن و کره جنوبی در سال ۲۰۱۹ می‌بینیم که ژاپن به استناد ماده ۲۱ گات صادرات خود را به این کشور محدود می‌کند.^۳ در پرونده مهم «راشا ترانزیت» نیز روسیه اقدام به نقض ماده ۵ گات به عنوان تعهد عمومی خود به آزاد کردن ترانزیت می‌کند و اختیار وسیع خود را در این قالب به نمایش می‌گذارد.^۴ در نتیجه ملاحظه می‌شود با آنکه اعضا به آزادسازی تجارت و ترانزیت متعهدند، اما با

1. In Ghana 1961, the Chairman said: "Contracting Party was the sole judge of what was necessary in its essential security interests". See; Op. cit., p 373.

2. Please visit the following Link: <https://docs.wto.org/gattdocs/q/GG/SR/19-12.PDF>, see p 196.

3. <https://www.nytimes.com/2019/07/15/business/japan-south-korea-trade-war-semiconductors.html>.

شایان توجه است در این پرونده ابتدا در سال ۲۰۱۹ کره جنوبی موضوع را در ساختار حل‌وفصل اختلافات سازمان مطرح می‌کند و پنل نیز در سال ۲۰۲۰ تشکیل می‌شود، اما متعاقباً در سال ۲۰۲۳ اقدام به بازپس‌گیری پرونده می‌کند. برای مطالعه بیشتر، ک: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds590_e.htm

۴. مصادیق استناد به امنیت ملی در WTO بسیار متنوع می‌تواند باشد. برای مثال در جریان همه‌گیری کووید ۱۹ برخی حقوقدانان معتقد بودند مستند به پاراگراف سوم بند b ماده ۷۳ موافقت‌نامه TRIPS به این دلیل که شرایط «اضطراری» در روابط بین‌المللی ایجاد شده است، از این رو کشورها می‌توانند مستند به امنیت ملی با نقض حقوق مالکیت فکری اقدام به

استناد به استثنای امنیت ملی از این تعهدات معاف می‌شوند و ایجاد ممنوعیت بر صادرات، واردات و ترانزیت مسئولیتی برای آنان در بر نخواهد داشت.

۲.۳. معافیت از تعهدات در حقوق بین‌الملل عرفی و معاهدات

در حقوق بین‌الملل عرفی نیز معادل رویکردی که در سازمان تجارت جهانی ملاحظه کردیم وجود دارد. مستفاد از ماده ۲۵ «پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی»، استثنای امنیت ملی به‌عنوان سازوکاری جهت عدم مسئولیت در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی دیده می‌شود. علاوه بر این پیش‌نویس، که اغلب در قلمرو حقوق بین‌الملل عرفی قابل مطالعه است، در معاهدات بین‌المللی نیز شاهد گستره وسیعی از استنادات به امنیت ملی جهت نقض تعهدات مندرج در معاهده هستیم؛ مانند ماده ۲۰ معاهده «مودت، روابط اقتصادی، و حقوق کنسولی» ۱۹۵۵ میان ایران و آمریکا که پیشتر به تفصیل بدان پرداخته شد. در نتیجه چنانچه شرایط استناد به «امنیت ملی» وجود داشته باشد، اثر حقوقی آن معافیت از تعهدات بین‌المللی خواهد بود و می‌توان در پرتو حمایت حقوق بین‌الملل، تعهدات مندرج در معاهده را نقض کرد و هر اقدامی که برای حفظ این امنیت ضروری است را معمول داشت؛ مانند عمل به قطعنامه‌های شورای امنیت (Lee, 2021: 181).

تولید داروها و واکسن‌های اختراع‌شده برای مقابله با ویروس کووید ۱۹ کنند. با این حال نکته اینجاست که باید دید آیا واقعاً تعلیق حق اختراع سبب حفظ امنیت ملی چنین کشورهایی می‌شود (Necessity test)؟ به‌خصوص این تردید برای کشورهایی که از سطح ضعیفی از تکنولوژی و توان تولیدی برخوردارند سؤال‌برانگیز و ناکافی به‌نظر خواهد رسید. ر.ک: Emmanuel Kolawole Oke (2021). COVID-19, Pandemics, and the National Security Exception in the TRIPS Agreement. *J. INTELL. PROP. INFO. TECH. & ELEC. COM. L.* 12 (397), 396-407, p 407.

همین رویکرد را می‌توان در مورد امنیت آب‌وهوایی داشت. در حقیقت برخی دولت‌ها مانند مالدیو و جزایر مارشال به سطح هشدار رسیده‌اند و باید به‌علت تغییرات آب‌وهوایی و بالا آمدن سطح آب دریا، تا سه دهه آینده به فکر تخلیه این مناطق باشند. با این حال آنچه مربوط به بحث این نوشته می‌شود آن است که آیا این کشورها و مانند آنها که حقیقتاً مراقبت از تغییرات آب‌وهوایی آنان به سطح بسیار حساسی رسیده است می‌توانند مستند به ماده ۲۱ گات از واردات کالاهایی که مخرب لایه ازن یا اقیانوس است جلوگیری کرده و یا تعرفه‌های مضاعفی بر آن اعمال کنند. طبیعتاً در فرضی که پاسخ مثبت باشد، خود حکایت از تنوع گسترده مصادیق استناد به امنیت ملی به‌عنوان «اثر حقوقی» امنیت ملی خواهد داشت. ر.ک: Samantha Franks (2021). Exploring Climate Security to Article XXI of the GATT, 20 Wash. U. GLOBAL Stud. L. REV. 523, p 523.

۴. چالش‌های پیش رو و سازوکارهای مقابله با رویکرد استناد به امنیت ملی

۴.۱. چالش‌ها

هنگامی که به لحاظ تاریخی به مقوله امنیت ملی می‌نگریم، در میزان استنادات صورت گرفته شاهد سیر صعودی شدیدی هستیم. در گذشته میزان استناد به امنیت ملی به‌خصوص در درون سازمان تجارت جهانی بسیار کم و استثنایی بود، اما هنگامی که دامنه مطالعاتی خود را به چند سال اخیر معطوف می‌کنیم، شاهد پرونده‌های متعددی در این زمینه هستیم. آمریکا و چین در سال ۲۰۱۸، روسیه و اوکراین، ژاپن و کره جنوبی، عربستان و قطر که همگی در سال ۲۰۱۹ بوده است، نشان از تراکم شدید پرونده‌های امنیت ملی درون سازمان تجارت جهانی دارد تا جایی که برخی نویسندگان معتقدند ماده ۲۱ گات مانند «اژدهای خفته» ای می‌ماند که هم‌اکنون بیدار شده است! (Varnes, 2023: 1). پرونده‌های ایران و آمریکا در سال ۲۰۱۶، روسیه و اوکراین در سال ۲۰۱۹ در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز که با محوریت امنیت ملی هستند، نشان از همین تراکم در خارج از سازمان داشته و در نهایت حکایت از افزایش در روند استنادات به امنیت ملی در آینده نزدیک دارند (Godsell, 2023: 1472) و بر خلاف آنچه برخی استادان معتقدند (کدخدایی و جلیلی، ۱۴۰۱: ۶۹)، تمایل به ورود امنیت ملی در منابع حقوق بین‌الملل رو به فزونی است. استفاده نامناسب از این اختیار به بروز مشکلات فراوانی منجر می‌شود؛ اول آنکه هدف سازمان تجارت جهانی و در حقیقت حقوق بین‌الملل اقتصادی را که تجارت آزاد است، مختل می‌کند؛ دوم آنکه شرکت‌های چندملیتی و بازیگران اصلی حقوق بازرگانی بین‌المللی را سردرگم می‌کند، چراکه ممکن است یک کشور برای امنیت ملی خود مقرره‌ای وضع کند و کشور دیگری برای امنیت ملی خود مقرره‌ای دقیقاً متعارض با آن وضع کند و حال شرکتی که باید در محدوده مقررات هر دو کشور فعالیت کند با وضعیت دشواری مواجه شود و در نهایت باید مقررات یکی از دو کشور را نقض کند.^۱ چالش مهم دیگر استناد به امنیت ملی را می‌توان در تعارض منافع ملی کشورها دانست که گاهی اوقات حفظ امنیت ملی یک کشور سبب تعارض با امنیت ملی کشور دیگری می‌شود. هنگامی که هر سه چالش را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که یک علت در تمامی موارد آن نهفته است و آن هم استفاده بیش‌ازحد از اهرم امنیت ملی است. از این رو باید دید آیا راهکاری برای مقابله با استفاده نامناسب از امنیت ملی وجود دارد یا خیر که در قسمت بعدی بدان می‌پردازیم.

۱. شایان ذکر است که اوج این تعارض را می‌توان در پرونده موسوم به «Laker» مشاهده کرد که دادگاه آمریکا دستوری صادر کرد که بدون نقض قوانین انگلستان قابل اجرا نبود و شرکت انگلیسی Laker را در وضعیت دشواری قرار داده بود و صدور آرای و دستورهای فراوان اما متعارض از سوی مراجع انگلستان و آمریکا وضعیت بسیار چالش‌برانگیزی را برای شرکت Laker ایجاد کرده بود. برای مطالعه پرونده رک: <https://caselaw.findlaw.com/us-11th-circuit/1279810.html>.

۳.۳. سازوکارهای مقابله

پیش از هر چیز اولاً باید دانست که آنچه با وجود ضرورت، حل این مشکل را دشوار می‌سازد، فقدان سلسله‌مراتب میان منافع ملی کشورهاست و ترجیح منافع ملی یک کشور بر منافع ملی کشور دیگر بلا مرجع و فاقد وجاهت لازم است؛ ثانیاً باید متذکر شد که جایگاه بحث از امنیت ملی در حقیقت باز می‌گردد به ارتباط صلاحیت حاکمیت‌ها و روابط اقتصادی بین‌المللی که گاه با وضع مقررات فراسرزمینی روابط اقتصادی بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از جمله پیوندهای مشروع این نوع قانونگذاری، امنیت ملی است. حال حقوقدانان، در اسنادی که در ذیل بررسی خواهد شد، به فراخور بررسی این مطلب که چطور می‌توان صلاحیت قانونگذاری فراسرزمینی دولت‌ها را منظم کرد تا بیش از حد به کار نروند، به موضوع امنیت ملی نیز پرداخته‌اند. در نتیجه برای اهداف پژوهش حاضر نیز می‌توان از دستاوردهای آنان استفاده کرد، چراکه رابطه امنیت ملی با صلاحیت قانونگذاری فراسرزمینی عموم و خصوص مطلق است و در حقیقت هر کجا که سخن از اقدامی به موجب امنیت ملی می‌شود، داخل در قلمرو این صلاحیت خواهد بود، از این رو راهکارهایی که این صلاحیت را تنظیم کند، بی‌تردید مورد استفاده برای تنظیم استناد به امنیت ملی نیز خواهد بود؛ ثالثاً بدیهی است که اولین و ایده‌آل‌ترین راهکار، توافق صریح یا ضمنی کشورهاست که بدین وسیله منافع ملی متعارض خود را در پرتو توجه به اصول تجارت آزاد تأمین کرده و به نوعی میزان استفاده از این صلاحیت و استناد به امنیت ملی را کنترل کنند. با این حال چنانچه چنین توافقاتی وجود نداشته باشد، که اغلب چنین است، باید دید حل این چالش‌ها چطور میسر خواهد بود. به همین منظور در ادامه به بررسی معیارهای معرفی شده توسط رویه قضایی و دکتین می‌پردازیم.

۳.۳.۱. معیار توازن (Balancing Test)

دکتین ملی و بین‌المللی و دادگاه‌ها تلاش کرده‌اند تا با تدوین معیارهایی که در ورطه عمل قابلیت اجرایی دارند اعمال بیش از حد صلاحیت را تحدید کنند. هدف از این معیار آن است که میان منافع متعارض دخیل در یک موضوع و پرونده به نوعی توازن برقرار کند. این رویکرد همانند اصل «ملاحظه متقابل»^۱ است که در حقوق بین‌الملل تلاش می‌کند تا میان منافع متعارض آشتی برقرار کند. در حقیقت هدفی که در این رویکرد اتخاذی دکتین و دادگاه‌ها دنبال می‌شود آن است که، برای مثال، استناد به امنیت ملی را در مقام قضاوت و هنگامی که چالش‌های سه‌گانه فوق‌الذکر را ایجاد کرده است، به نوعی تحدید کند تا توازن میان منافع مختلف طرفین ایجاد شود. با این حال حقوقدانان معتقدند که این معیار، با توجه به وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل عرفی و قواعد آن، کاملاً روشن نیست که تا چه حد بتواند الزام‌آور باشد (Herdegen, 2016: 107).

1. The Principle of Mutual Consideration

۳.۳.۲. معیار معقولیت (Reasonableness Test)

الگو و معیار جامع‌تر و پیشرفته‌تر در زمینه حل چالش‌های مذکور آن است که بررسی کنیم اعمال صلاحیت صورت گرفته، و به‌طور خاص استناد صورت گرفته به امنیت ملی، آیا به‌طور «معقول» بوده است یا خیر. بدیهی است که در این معیار کشف و تعیین «ضوابط معقول بودن استناد به امنیت ملی» مهم‌ترین موضوع و امری حیاتی است که به‌نظر می‌رسد در این زمینه بهترین منبع برای تبیین این‌گونه ضوابط رویه قضایی می‌تواند باشد.

شایان توجه است که در ایالات متحده، مجموعه‌های نظام‌مند شده حقوق کامن‌لا از دهه ۱۹۳۰ توسط «مؤسسه حقوق آمریکا»^۱ ایجاد شده است که از آن تحت عنوان «دوره بازتشریح حقوق»^۲ یاد می‌شود. این منابع مهم و باارزش، که در حقیقت به‌عنوان منبع دوم در اختیار قضات و حقوقدانان قرار دارد، اقدام به تدوین و گردآوری رویه قضایی کرده است. در مجموعه سوم آنکه در زمینه حقوق روابط خارجی است، اعمال صلاحیت را منوط به رعایت استاندارد «معقول بودن» کرده است و برای این استاندارد ضوابط مختلفی را برشمرده است که مطالعه این ضوابط برای فهم نحوه کنترل و تحدید صحیح استناد به امنیت ملی، به‌عنوان یکی از مجوزهای اعمال صلاحیت فرامرزی، بسیار مفید خواهد بود. این ضوابط و شاخص‌ها تعیین می‌کنند که آیا اعمال صلاحیت صورت گرفته و در حقیقت استناد به امنیت ملی «معقول» بوده است یا خیر؛ در ادامه به مطالعه آن می‌پردازیم.

در بخش ۴۰۳ این مجموعه که «محدودیت‌های اعمال صلاحیت»^۳ نام دارد، ابتدا در بند ۱ بیان می‌دارد که اعمال این صلاحیت نمی‌تواند «نامعقول» باشد و سپس در بند ۲ و به موجب ۸ پاراگراف ضوابط تعیین «معقول» بودن را بیان می‌دارد و در حقیقت هشت استاندارد را معرفی می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. پیوند فعالیت به سرزمین دولت تنظیم‌گر، به معنای گستره انجام فعالیت در داخل سرزمین یا اثر قابل ملاحظه، مستقیم و قابل پیش‌بینی آن بر یا در سرزمین؛

۲. پیوندها از جمله تابعیت، اقامتگاه یا فعالیت اقتصادی بین دولت تنظیم‌گر و شخصی که اصولاً برای فعالیتی که باید تنظیم شود، مسئول است، یا بین آن دولت و آنهایی که قرار است مقررات از آنها حمایت کند؛

۳. ویژگی فعالیتی که قرار است تنظیم شود، اهمیت مقررات برای دولت تنظیم‌گر، میزانی که دولت‌های دیگر چنین فعالیتی را تنظیم می‌کنند، و درجه‌ای که مطلوبیت چنین مقرراتی به‌طور معمول با پذیرش مواجه می‌شود؛

1. American Law Institute.

2. Restatement of the Law.

3. Limitations on Jurisprudence to Prescribe.

۴. وجود انتظارات موجه که می‌توانند از طریق وضع مقررات مورد حمایت قرار گیرند یا آسیب ببینند؛
۵. اهمیت قانون برای نظام سیاسی، حقوقی یا اقتصادی بین‌المللی؛
۶. میزان هماهنگی قانون با سنت‌های بین‌المللی؛
۷. میزانی که دولت دیگر ممکن است نفعی در تنظیم این فعالیت داشته باشد؛
۸. احتمال تعارض با قوانین و مقررات سایر دولت‌ها.^۱

ملاحظه می‌شود که این معیار با استانداردهای مختلفی که به دست می‌دهد بسیار ساختارمندتر از «معیار توازن» عمل می‌کند. با این حال این معیار در مقطع کنونی به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی شناخته نشده است و به‌عنوان یک معیار «نزاکت»^۲ میان ملت‌ها جهت راهنمایی برای رعایت انصاف نسبت به سایر دولت‌ها می‌تواند مورد استفاده باشد و در حقیقت به کمک داوران و قضات بین‌المللی آید و در مواردی که استناد بیش‌ازحد به امنیت ملی چالش‌هایی را به‌وجود می‌آورد، با کمک از بند ۳ شماره ۴۰۳ دولت را موظف کند تا اقدام به ارزیابی مجدد اقدامات اتخاذی خود در جهت حفظ امنیت ملی کند. رویکردی که به‌نظر می‌رسد با ظاهر ماده ۲۱ گات و نظر پنل رسیدگی‌کننده در پرونده «راشا ترانزیت» مبنی بر عدم انحصار دولت عضو در تعیین اقدامات ضروری برای حفظ امنیت ملی خود و اختیار و توانایی پنل در ارزیابی این اقدامات نیز منطبق باشد و در مجموع بتواند در حل چالش‌های مهم پیش رو در زمینه روند رو به رشد استناد به امنیت ملی در آینده به کمک تجارت بین‌الملل و آرمان تجارت آزاد آید.

۳.۳.۳. توجه به ضوابط عینی در قوانین ملی

نویسندگان مقاله حاضر معتقدند در کنار دو معیار پیش‌گفته، می‌توان برای مقابله با چالش‌های پیش رو، از جمله به ضوابط عینی و ظرفیت‌های موجود در سیستم حقوقی کشور استنادکننده نیز توجه و اساساً بررسی کرد آیا استنادکننده، قوانین داخلی خود را رعایت کرده است یا با نقض قوانین داخلی خود و به دور از حسن‌نیت در حال استناد به امنیت ملی است. برای نمونه می‌دانیم که از مهم‌ترین کشورهایی که پیوسته استناد به امنیت ملی را در دستور کار خود قرار داده است، بی‌گمان ایالات متحده است، درحالی‌که امنیت ملی در مجموعه قوانین مدون این کشور بسیار ضابطه‌مندتر است از رویه عملی آن کشور. توضیح آنکه در مجموعه مقررات آمریکا، قانونی با عنوان «قانون توسعه تجارت مصوب ۱۹۶۲»^۳ وجود دارد که این اختیار را به رئیس‌جمهور آمریکا می‌دهد در شرایطی که امنیت ملی کشور در مخاطره قرار گرفته است، اقدام به افزایش تعرفه‌ها و یا ایجاد محدودیت در واردات کند. با این حال چنین اقدامی مسبوق به

1. <https://iow.eui.eu/wp-content/uploads/sites/28/2016/04/EU-15-Scott-Third-Restatement.pdf>.

2. Comity.

3. The Trade Expansion Act 1962

گزارش وزارت بازرگانی خواهد بود که در این گزارش معیارهایی بررسی و ارزیابی می‌شوند و پس از بررسی این معیارها نتیجه گرفته می‌شود که آیا امنیت ملی در خطر است یا خیر. این گزارش که می‌تواند بنا به درخواست صنایع داخلی آمریکا نیز تهیه شود، معیارهای خود را بر این اساس مدون کرده است که موضوعی که احتمال داده شده است امنیت ملی کشور را مختل کند:

۱. تا چه حد می‌تواند سبب ایجاد بیکاری در کشور شود؛
۲. تا چه حد می‌تواند سبب کاهش سرمایه‌گذاری در کشور بشود؛
۳. تا چه حد ممکن است سبب کاهش درآمدهای دولت بشود؛
۴. تا چه حد صنایع داخلی نیاز دارند تا دولت مستند به امنیت ملی از آنان دفاع کند؛
۵. تا چه حد صنایع داخلی توان و مهارت دارند تا در صورتی که دولت اقدام به وضع تحدیدهایی بر تجارت کند، این کمبود را جبران کنند (Kevin, 2021: 365).

پس از بررسی چک‌لیست مذکور، گزارش باید ظرف ۲۷۰ روز تهیه و در اختیار رئیس‌جمهور قرار گیرد و وی باید ظرف ۹۰ روز تصمیم گیرد که آن را تأیید، رد و یا بلا اقدام رها کند.

نتیجه آنکه، برای مثال زمانی می‌توان گفت امنیت ملی آمریکا تهدید شده است که موضوعی پیش آید که سبب بیکاری در کشور، کاهش سرمایه‌گذاری و درآمد دولت شود و حقیقتاً صنایع داخلی نیازمند حمایت از طریق تحدید بر تجارت خارجی باشند و در عین حال می‌توانند کمبودهای آتی ناشی از وضع اقدام تحدیدکننده دولت مستند به امنیت ملی را جبران کنند، از این رو می‌توان گفت استنادات خارج از این ضوابط توسط دولت آمریکا خلاف قوانین آن کشور است و شرط حسن نیت و ضرورت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ چه اینکه حتی در مواردی که تشخیص «ضرورت» تماماً به دولت استنادکننده واگذار شده است، توجه به نظام حقوقی آن کشور در تشخیص حسن نیت بسیار راهگشا خواهد بود، چراکه اگر قوانین ملی، آن موضوع را تهدید علیه امنیت ملی ندانند، اما دولت بر خلاف قوانین خود، آن را ذیل امنیت ملی بگنجانند بی‌شک حکایت از اغراض سیاسی آن تصمیم خواهد داشت؛ موضوعی که در دیوان‌های بین‌المللی مورد پذیرش نبوده و به محکومیت دولت استنادکننده منتهی شده است.

۴. نتیجه

بی‌تردید آنچه در رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی و دیوان بین‌المللی دادگستری شاهدیم، مبنی بر روند صعودی استناد به امنیت ملی به‌منظور انحراف از تعهدات حقوقی بین‌المللی معلول اتفاقات رخ داده در روابط بین‌الملل و تغییر فضای حاکم بر آن است. حقوقدانان معتقدند تا پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فضای حاکم بر جامعه بین‌المللی مبتنی بر اعتماد بوده است و شاهد مثال‌های فراوانی نیز می‌توان برای آن آورد. اتحاد آلمان شرقی و غربی به روش مسالمت‌آمیز و فروپاشی جماهیر شوروی به همین شیوه از

نمونه‌های بی‌نظیری است که گواه صادق فضای اعتماد حاکم در آن دوران بوده است. با این حال و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، موج بی‌اعتمادی در غرب ایجاد می‌شود که اغلب از حمله آمریکا به عراق نشأت می‌گیرد که بر خلاف حمله به افغانستان، مورد تأیید شورای امنیت نبود و به شکاف و نگرانی در غرب منجر شد و در نهایت صلح پویا را به صلح ساکن تبدیل کرد و به ایجاد فضای بدبینی و بی‌اعتمادی منجر شد. نیز از نتایج این فضا، عدم پیشرفت در حل مشکلات بزرگ جامعه جهانی مانند مسئله فلسطین و گسترش سلاح‌های هسته‌ای بیان شده است (فلسفی، ۱۳۹۴: ۹۷-۹۹). حال بدیهی است که در چنین فضایی، سازوکارهای اداره یا تنظیم بحران از مسیر صحیح خود خارج شوند. از جمله این سازوکارها استناد به امنیت ملی برای کنار گذاشتن تعهداتی است که منافع اساسی ملی را در خطر قرار می‌دهد که در ابتدای ایجاد، با هدف طراحان خود سازگاری بیشتری نشان می‌داد، اما روند سال‌های اخیر نگرانی‌هایی را در قبال مستمسک شدن این نهاد برای نیل به اهداف سیاسی ایجاد کرده و در حقیقت لزوم چاره‌اندیشی برای جلوگیری از سوءاستفاده از آن را نشان داده است. با بررسی پرونده‌های مختلف روشن شد اقدامات متخلفانه‌ای که در پرتو امنیت ملی ارتکاب می‌یابند، صرفاً زمانی که برای حفظ منافع اساسی امنیتی یک کشور ضرورت و تناسب دارند، قابل پذیرش و سبب معافیت دولت استنادکننده خواهد بود؛ بدین معنا که امنیت ملی یک کشور با اقدامات دیگری قابل تأمین نباشد و در عین حال این اقدامات ضروری با هدف اعلامی تناسب داشته و با حسن‌نیت نیز اتخاذ شده باشند و تمامی شرایط به تأیید دیوان رسیده باشد که در این فرض معافیت از تعهدات بین‌المللی به‌عنوان اثر حقوقی امنیت ملی در قالب‌های گوناگونی مانند منع صادرات، واردات و ترانزیت ظاهر می‌شود. همچنین چالش‌های سه‌گانه ناشی از استناد فزاینده به امنیت ملی را که شامل اخلال در تجارت آزاد، سردرگمی شرکت‌های چندملیتی و انتظارات متعارض کشورها می‌شود، رویه قضایی و اسناد حقوقی پیشنهاد کرده‌اند با دو سازوکار ایجاد تعهد بر دیوان رسیدگی‌کننده مبنی بر برقراری توازن میان منافع متضاد (معیار توازن) و یا پذیرش استناد به امنیت ملی تا جایی که با معیارهای عینی معقولیت تطابق دارد (معیار معقولیت)، مقابله گشود که علاوه بر آن می‌توان توجه به ضوابط ملی کشور استنادکننده در خصوص منافع اساسی امنیتی را نیز مفید و مؤثر دانست.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۴). *صلح جاویدان و حکومت قانون، دیالکتیک همانندی و تفاوت*. چ دوم، تهران: فرهنگ نشر نو.

۲. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۸). حقوق بین‌الملل معاهدات. چ ششم، تهران: فرهنگ نشر نو.
۳. والاس، ریکا؛ مارتین ارتگا، الگا (۱۳۹۲). حقوق بین‌الملل. ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، چ چهارم، تهران: شهر دانش.

ب) مقالات

۴. پیری، مهدی؛ سهرابی، رضا (۱۳۹۹). تحریم‌های فراسرزمینی ایالات متحده در ارتباط با ایران و سازگاری آن با قواعد سازمان جهانی تجارت. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، (۵۰)، ۴(۵۰)، ۱۵۴۵-۱۵۶۵.
۵. کدخدایی، عباسعلی؛ جلیلی، سید رضا (۱۴۰۱). استناد به استثنای امنیت ملی در نظام معاهدات بین‌المللی. فصلنامه علمی پژوهش حقوق عمومی، (۷۵)، ۲۴(۷۵)، ۷۸-۴۵.
۶. موسوی زوز، موسی؛ مرادی، حسن (۱۳۹۲). ملاحظات امنیت ملی در سازمان جهانی تجارت. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۴۳)، ۲(۴۳)، ۱۳۵-۱۵۲.
۷. نوری یوشانلویی، جعفر؛ پیرمرادی، علی (۱۴۰۰). تفسیر استثنای امنیت در سازمان جهانی تجارت در پرتو گزارش هیأت حل اختلاف در دعوای روسیه-اوکراین. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، (۵۱)، ۴(۵۱)، ۸۰۷-۸۲۶.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Cui, F, C Hoeffler & S C Hofmann (2021). *National security and other non-trade objectives under WTO law*. London: CEPR Press.
2. Herdegen, M. (2016). *Principles of International Economic Law*. London: Oxford University Press.
3. Kawashima, F. (2024). *Trade Sanctions Against Russia and Their WTO Consistency: Focusing on Justification Under National Security Exceptions*. Singapore: Springer.
4. Singh, S. (2023). *Future Unready: Does the WTO Need to Bolster Its Security Exceptions*. Cham: Springer.
5. Vranes, E. (2023). *Introduction: The "Sleeping Dragon" of WTO Law*. Cham: Springer.

B) Articles

6. Bismono, R., and others (2022). The Problems of interpreting GATT Articles XXI (b) (iii) in Russia - Traffic in Transit. *Journal of International Trade Law and Policy*. 21 (1), 65-78, <https://doi.org/10.1108/JITLP-10-2021-0054>.
7. Emmanuel Kolawole Oke (2021). COVID-19, Pandemics, and the National Security Exception in the TRIPS Agreement. *J. INTELL. PROP. INFO. TECH. & ELEC. COM. L.* 12 (397), 396-407.
8. Godsell, D., and others (2023). U.S. National Security and De-globalization. *Journal of International Business Studies*, 54 (8), 1471-1494. <https://doi.org/10.1057/s41267-023-00621-2>.
9. Jaemin Lee (2021). A Blind Side of Security Exceptions?: New Legal Complexities of

- the "Refusal to Furnish Information" Clause. *J. KOREAN L.* 20 (1), 173-216. <https://doi.org/10.23110/jkl.2021.20.1.006>.
10. Jia Wang (2021). Certain Iranian Assets: The Judgment on Preliminary Objections and the Terrorism Exception to State Immunity. *18 US-CHINA L. REV.* 18 (4), 162-172. <https://doi.org/10.17265/1548-6605/2021.04.002>.
11. Kevin J. Fandl (2021). National Security Tariffs: A Threat to Effective Trade Policy. *University of Pennsylvania Journal of Business Law* 23, 340-389.
12. Massimo Lando (2018). Plausibility in the Provisional Measures Jurisprudence of the International Court of Justice, *Leiden Journal of International Law*, 31(3), 641-668.
13. Philipp Janig & Sara Mansour Fallah (2016). Certain Iranian Assets: The Limits of Anti-Terrorism Measures in Light of State Immunity and Standards of Treatment. 59 *German YearBook of International Law*, 59, 355-391.
14. Ruys, T., Deweerdt, M. (2023). From Tehran to Moscow: The ICJ's 2023 Certain Iranian Assets Judgment and Its Broader Ramifications for Unilateral Sanctions, Including Against Russia. *Netherlands International Law Review*, T.M.C Asser Press, 70, 273-299. <https://doi.org/10.1007/s40802-023-00240-6>.
15. Ruys, T., Ringaret, C. (2020), Secondary Sanctions: A Weapon Out of Control? The International Legality of, And European Responses to, US Secondary Sanctions. *The British Yearbook of International Law*, Oxford University Press, 0(0). 1-116.
16. Samantha Franks (2021). Exploring Climate Security to Article XXI of the GATT. *Washington University Global Studies Law Review*. 20(2), 523-533.
17. F. Scott PF. (2023). State threats', security, and democracy: the National Security Act 2023. *Legal Studies*. 44(2), 260-276. <https://doi.org/10.1017/lst.2023.39>.
18. Voon, Tania. (2023). The Security Exception In WTO Law: Entering a New Era. *American Journal of International Law Unbound*. 113, 45-50. <https://doi.org/10.1017.aju.2019.3>.

C) Decisions

19. Bank Markazi v. Peterson, United States Court of Appeals 2016.
20. Belgium v. Senegal, ICJ Reports 2009
21. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), ICJ Reports 2023.
22. EC Banans III (Ecuador v. European Communities), WTO Reports 2012.
23. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), ICJ Reports 1986.
24. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States), ICJ Reports 2003.
25. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), ICJ Reports 2006.
26. United States- Certain Measures on Steel and Aluminium Products (China v. United States), WTO Reports 2022.
27. US - Helms Burton (European Communities v. United States), WTO Reports 1998.
28. Rosneft v. Her Majesty's Treasury, European Court of Justice 2017.
29. Russia – Measures Concerning Traffic in Transit (Ukraine v. Russia), WTO Reports 2019.
30. Saudi Arabia – Measures Concerning the Protection of Intellectual Property Rights (Qatar v. Saudi Arabia), WTO Reports 2020.